

آرامگاه مولانا از دیروز تا امروز

دکتر اردغان ارول

رئیس موزه‌های قونیه

محوطه آرامگاه مولانا در دوره سلجوقیان و در زمان سلطنت علاءالدین کیقباد، اول باغ و گلستانی مربوط به دربار سلجوقیان بود. نوشته‌اند که سلطان علاءالدین آن باغ را به سلطان‌العلماء بخشیده بود. سلطان‌العلماء که در ۶۲۸ ق، یعنی ۴۲ سال پیش از وفات مولانا جلال‌الدین درگذشت، در گوشه‌ای از آن باغ به خاک سپرده شد. مدتی کوتاه پس از وفات مولانا در ۶۷۲ ق که در کنار تربت پدر مدفون شد، سلیمان پروانه و زن او گرجی‌خاتون و امیر علم‌الدین قیصر با همکاری سلطان ولد و معماری بدرالدین تبریزی و عبدالواحدبن سلیم آرامگاه را ساختند.

آرامگاه مولانا که میان مولویان به «درگاه مولانا» معروف است، در فضایی به وسعت ۶۶۲۵ مترمربع قرار دارد. جانب غربی آن با حجره‌های درویشان و سه طرف دیگر آن با دیوار احاطه شده است. درگاه مولانا شبیه دیگر درگاه‌های مولوی است، بهتر است بگوییم که خانقاه‌های مولوی شبیه درگاه مولانا ساخته شده‌اند. درگاه، چهار در دارد. دری که از طرف مسجد سلطان سلیم باز می‌شود و روبه‌روی در آرامگاه است را «در درویشان» گویند و دری که در جانب راست آرامگاه قرار دارد و به گورستانی با نام حدیقه‌الارواح باز می‌شود را «درخاموشان» نامند. در دیگر



که در پشت قرار دارد و نزدیک به حدیقه‌الارواح است، «در پیر» و در چهارم را که تقریباً مقابل «در خاموشان» جای دارد و به دایره چلبیان نزدیک است، «در چلبی» گفته‌اند.

بالای در درویشان، کتیبه‌ای در سال ۹۹۲ق نصب شده که سه بیت زیر روی آن حکاکی شده بود:

شاه سلطان مرادخان بن سلیم خان	یاپوپ بوخانقاهی اوردی بنیاد
اولالرمولریلر بونده ساکن	اقیه هر سحر ورد اوله ارشاد
گورب دل بو انایی دیدی تاریخ	بیوت جنت آسا اولدی آباد

(یعنی شاه سلطان مرادخان پسر سلیم خان، این خانقاه را ساخت و بنا کرد که مولویان در آن سکونت کنند و سحرگاه ورد بخوانند و ارشاد شوند، دل این بنا را دید و در تاریخ آن گفت که: بیوت جنت آسا آباد نشد).

این کتیبه بعدها به موزه مولانا انتقال پیدا کرده است و چنانکه معلوم است، به دستور سلطان مرسوم پس از تخریب حجره‌های کهنه درویشان و بنای حجره‌های جدید به جای آنها نصب شده است. گنبد سبز یا قبه‌الخضراء یادآور گنبد سیدمحمود حیرانی در آق شهر است که در ۶۶۷ق/ ۱۲۶۸م وفات کرده است. تردیدی نیست که الگوی اصلی آن بنا هم از آسیای میانه و کشمیر و آرامگاه‌های مربوط به سده ششم و هفتم هجری در آن سرزمینها گرفته شده است. کتیبه‌ای در آن نصب شده که نشان می‌دهد نقوش گنبد سبز را در زمان سلطنت بایزید دوم (۹۱۸-۸۸۶ق) عبدالرحمان حلبی انجام داده است.

صندوق چوبی و کنده‌کاری شده که بعد از وفات مولانا برای قرار دادن روی مزار وی ساخته شده بود، امروز بر فراز تربت سلطان‌العلماست. این صندوق برای آنکه در برابر رطوبت، سرما و گرما مقاوم باشد، از چوب آبنوس و گردو و چوب‌هایی مانند آن ساخته شده است.

در کنده‌کاری یک غزل نه بیتی به مطلع:

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

و یک غزل ده بیتی به مطلع:

ز خاک من اگر گندم برآید از آن گرنان پزی مستی فزاید ...

و ۲۲ بیت از ابیات متفرقهٔ مثنوی حکاکي شده است. ده بیت از آن ابیات از دفتر ششم و نه بیت از دفتر سوم و و بقیه از دفاتر دیگر است.

دیگر آرامگاههای کتیبه‌دار در درگاه عبارت‌اند از:

۱. مزار مولانا که صندوق سلطان العلماست، درگذشتهٔ ۶۲۸ ق.
 ۲. مزار شیخ صلاح‌الدین زرکوب قونیوی، درگذشتهٔ ۶۵۷ ق.
 ۳. مزار حسام‌الدین چلبی، درگذشتهٔ ۶۸۳ ق.
 ۴. مزار شیخ فخرالدین بکتمر، مرید مولانا و مرشد بهاء‌ولد درگذشتهٔ ۶۹۱ ق.
 ۵. مزار علاء‌الدین چلبی پسر مولانا که در ۶۶۰ ق وفات یافته است.
 ۶. مزار مظفرالدین امیر عالم چلبی پسر مولانا که در ۶۷۶ ق درگذشته است.
 ۷. آرامگاه جلاله خاتون دختر مولانا درگذشتهٔ ۶۸۲ ق.
 ۸. مزار کرا خاتون زوجهٔ مولانا که در ۶۹۱ ق وفات کرده است.
 ۹. مزار امیر شمس‌الدین یحیی پسرخواندهٔ مولانا که در ۶۹۲ ق وفات یافته است، برخی به خطا پنداشته بودند که این مزار متعلق به شمس‌الدین تبریزی است.
 ۱۰. مزار ملکه خاتون دختر مولانا که در ۷۰۵ ق وفات یافته است.
 ۱۱. مزار ملکه خاتون دختر قاضی تاج‌الدین، درگذشتهٔ ۷۳۰ ق.
 ۱۲. مزار حسام‌الدین حسن، نوهٔ حسام‌الدین چلبی، درگذشتهٔ ۷۴۷ ق.
- در دو بخش، آرامگاههای دیگر قرار دارند. در یک بخش نوزده آرامگاه قرار دارد که مشهورترین آنان:

۱. مزار مجدالدین فریدون سپهسالار، درگذشته به‌سال ۷۱۲ ق که رسالهٔ او دربارهٔ زندگانی مولانا و اطرافیان او معروف است.
۲. اولو عارف چلبی نوهٔ مولانا و پسر بهاء‌ولد درگذشته در سال ۷۱۱ ق که احمد افلاکی مناقب‌العارفین را به‌نام او تألیف کرده است و چند تن از چلبیان هم در این قسمت مدفون‌اند. در قسمت دیگر، که در بخش غربی گنبد سبز واقع است، هفده تن مدفون شده‌اند. سلطان ولد در کنار مزار مولانا به خاک سپرده شده است. مزارهای سکه‌دار از آن مردان و مزارهای بدون



سکه مربوط به زنان است. سکه کلاه مخصوص و بلندی بود که صوفیان مولوی بر سر می گذاشتند.

سماع‌خانه و مسجد

در شمال درگاه مولانا و چسبیده به آرامگاه، سماع‌خانه‌ای ساخته شده است. این سماع‌خانه در قرن دهم در زمان سلطان سلیمان قانونی بنا شده است. گنبدی بالای آن قرار دارد، خطوط روی آن از حمدی‌زاده محب افندی قونیوی است که در ۱۳۰۶ق/ ۱۸۸۷م نوشته شده است. همه مولوی‌خانه‌ها سماع‌خانه دارند. در دیوار غربی سماع‌خانه در کوچکی است که به مسجد باز می‌شود؛ البته در دیگری هم دارد که در اصلی است.

مطبخ

مطبخ در محوطه درگاه مولانا و در جنوب حجره‌های درویشان است. مطبخ در زمان سلطان مراد سوم در ۱۵۸۴/۹۹۲م دوباره با حجره‌ها ساخته شده و در ۱۲۸۴ق مرمت شده است. میدان شریف، دایره چلبی، شادروان، حوض شب غرس از بناهای قابل یادآوری در آرامگاه مولاناست که اگر به همه آنها پردازیم، سخن خیلی طولانی می‌شود. گمان می‌کنم آنچه مورد علاقه خوانندگان ارجمند است، کتابخانه مولاناست. خلاصه عرض کنم که اولین کتابخانه در قونیه در دوره سلجوقیان چنان‌که از وقف‌نامه‌ای برمی‌آید، در مدرسه ایلیکیچی برپا شد که امیر شمس‌الدین آلتون‌عبا ساخته بود. کتابخانه‌های دیگری هم بودند که بسیاری از آنها در دوره عثمانی هم دایر بودند و به مرور زمان از میان رفتند، بعضی از کتابهای آنها به کتابخانه درگاه مولانا و یوسف آغا انتقال یافتند. در دوره عثمانیان یوسف آغا کدخدای مهرشاه سلطان، مادر سلطان سلیم سوم در ۱۲۱۰ق/ ۱۷۹۵م کتابخانه‌ای دایر کرد. سعید همدم چلبی پوست‌نشین درگاه مولانا در ۱۲۷۲ق/ ۱۸۸۵م کتابخانه‌ای در درگاه برپا کرد. کتابخانه یوسف آغا در جوار آرامگاه مولانا است. کتابهایی که بعد از وفات مولانا دوستداران وی به درگاه وقف کرده یا به دست درویشان مولوی کتابت شده بود، به مرور زمان از میان رفتند، بعد از تبعید ابوبکر چلبی دوم، پوست‌نشین

درگاه به استانبول، که در ۱۲۰۰ق/ ۱۷۸۵م وفات یافت، کتابهای زیادی به استانبول انتقال پیدا کرد و پس از مرگ وی بسیاری از آثار خطی دوره سلجوقی به بازارها سرازیر شد و در معرض فروش قرار گرفت.

گفتیم که اولین کتابخانه را در درگاه مولانا، محمد سعید همدم چلبی از خاندان مولانا و بیست و پنجمین پوست‌نشین طریقت مولویه دایر کرده است. او کتابهای درگاه و دیگر کتابهایی را که فراهم کرده بود، مَهر کرد و از این راه نه تنها به مولویه بلکه به علم خدمت بزرگی انجام داد. امروز در کتابخانه مولانا قریب ۷۷۵۶ جلد کتاب خطی و پنج هزار جلد کتاب چاپی موجود است. اما کتابخانه‌های دیگری هم به مرور زمان کتابخانه مولانا را غنی‌تر کرده‌اند:

- کتابهای معام محمد فرید اوغور، درگذشته ۱۹۴۲م، که ۱۲۴۲ مجلد کتاب دارد.
- کتابخانه حاجی محمد دیش سوکن، درگذشته ۱۹۵۹م، که جمعاً ۹۸۹ جلد کتاب خطی و چاپی دارد.

- کتابخانه عبدالباقی گولپینارلی، درگذشته ۱۹۸۲م که ۲۲۸ جلد خطی دارد.
- کتابخانه محمد ثوندر، قریب دو هزار جلد کتاب و دیگر آرشیوی شامل ۱۷۵۰ سند.

بسیاری از نسخ خطی موجود در درگاه کتابهای موزه‌ای است. قدیم‌ترین نسخه مثنوی که تاریخ ۶۷۷ق دارد در درگاه است. پانزده نسخه دیگر هم بسیار نفیس است. دیوان کبیر شش نسخه دارد که همه از نسخه‌های نفیس به‌شمار می‌آیند. مقالات شمس و دیگر آثار مربوط به مولانا هم در درگاه نسخه‌های مکرر و کهن دارند.

کتابخانه درگاه علاوه بر آثار کهن خطی، آثار هنری هم دارد. مرحوم عبدالباقی علاوه بر اهدای کتب خطی و چاپی خود که در میان نسخه‌های خطی چندین نسخه منحصر به فرد است، قطعه‌های نفیس خط متعلق به خود را هم به درگاه هدیه کرده است. فهرست کتب خطی موزه مولانا به همت استاد عبدالباقی در چهار جلد تدوین شده، آن مرحوم کتابهای موزه‌ای و کتابهای اهدایی شخصی و قطعه‌های خط را هم جداگانه فهرست کرده است. کتابخانه درگاه بسته نیست، پیوسته افراد خیر و فرهنگ‌دوست از اطراف عالم، مخصوصاً از شهرهای مختلف ترکیه آثار



موجود در خانواده‌های خود را تبرکاً به درگاه اهدا می‌کنند. از این‌رو، هر آماري که امروز از موجودی کتابهای درگاه به‌دست داده شود، با تعداد نسخه‌های اهدایی رقم آن تغییر پیدا می‌کند. با برپایی هفته عرس که سالانه به مناسبت سالگرد وفات مولانا جلال‌الدین برگزار می‌شود، قونیه چهره جهانی پیدا کرده است. اگر آمار دیدارکنندگان از درگاه مولانا را سال به سال از ۱۹۲۷م تا امروز عرض کنم مایه ملال خواهد شد؛ برای مقایسه چند سال را عرض می‌کنم:

- در سال ۱۹۲۷م جمعاً ۲۵۷۱۰ نفر.

- در سال ۱۹۵۱م جمعاً ۷۳۴۰۹ نفر.

- در سال ۲۰۰۳م جمعاً ۱۳۱۶۰۰ نفر از موزه مولانا و تربت او دیدار کرده‌اند.

در پایان عرایضم این نکته را که همه حاضران در این مجلس گرامی بهتر از من می‌دانند، تکرار کنم، مولانا را علاوه بر زبان فخیم فارسی - که به کانون توجه مردم جهان بدل کرده است، نگاه والای او به انسان و تسامح و فرو ریختن دیوارهای «سخت‌کامی و تعصب» است. برگزار کردن سالانه هفته عرس و ترتیب دادن همایشها و بزرگداشتها برای مولانا جلال‌الدین کاری بسیار پسندیده است، این مراسم و همایشها باید با چاپ کتابهای منظوم و مثنوی مولانا و ساده‌تر کردن آنها در سطح نوجوانان و جوانان توأم باشد تا جوانان با اندیشه‌های این مرد بزرگ آشنایی پیدا کنند و با عشق و محبت و انسان‌دوستی مولانا به دنیا بنگرند و به جای کینه و بدخواهی نهال عشق و محبت در دل‌های خود بنشانند. با یک رباعی منسوب به مولانا که در ترکیه در بسیاری از اماکن عمومی می‌توان دید، عرایضم را به پایان می‌رسانم:

گر کافر و گرت پرستی باز آ

باز آ، باز آ، هر آنچه هستی باز آ

صد بار اگر توبه شکستی باز آ

این درگه ما درگه نومیدی نیست

منابع

- *Islam Ansiklopedisi*, Konya, c.VI, s. 841-853.
- Golpınarlı, Abdülhakî, *Mevlânâ Celâleddin ...*, İst, Inkap Kitabevi, 1999.
- Golpınarlı, Abdülhakî, *Mevlânâ dâsonar Mevlevîlik*, İst, Inkap Kitabevi, 1953.
- Onder, Mehmet, *Mevlânâ Şehri Konya*, Ankara, 1971.
- *Mevlânâ ve Mevlevîlik*, Konya, dan Dünya, ya, Konya, 2002.
- *Mevlevîler Beldesi Konya*, Clément Huart, Çeviren: Nezih Uzel, İst, 1978.
- Muze Arşivi, ...